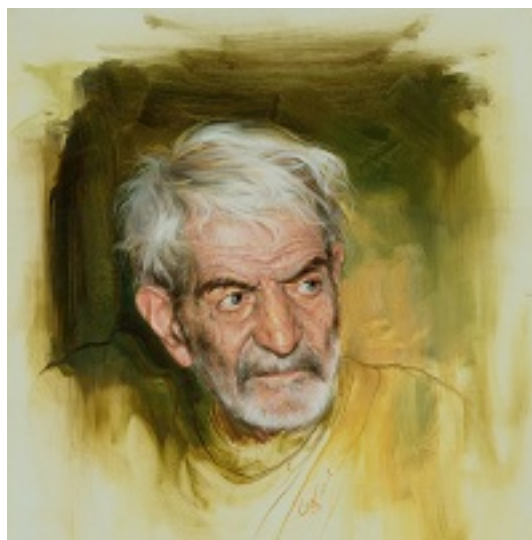


شعری زیبا از استاد شهریار



کسی نیست در این گوشه فراموشتر از من
وز گوشه نشینان تو خاموشتر از من
هر کس به خیالست هم آغوش و کسی نیست
ای گل به خیال تو هم آغوشتر از من
می‌نویسد از آن لعل شفقگون همه آقای
اما که در این می‌کده غم نوشتن از من
افتاده جهانی همه مدهوش تو لیکن
افتاده‌تر از من نه و مدهوشتر از من
بی ماه رخ تو شب من هست سیه‌پوش
اما شب من هم نه سیه‌پوشتر از من
گفتی تو نه گوشه که سخن گویمت از عشق
ای نادره گفتار کجا گوشتر از من
بیزتر از آتم که بچاهم کنی ای ترک
خونم بفشان کنست سیاوشتر از من
با لعل تو گفتم که علاج لب نوشی است
بسکفت که یارب چه لبی نوشتن از من
آخر چه گلایه است به از اشک من ای گل؟
دیگی نه در این بادیه پرچوشتر از من

نویسنده: admin، تاریخ ارسال: شنبه 16 اسفند 1393 ساعت 11:30 بعد از ظهر